

روابط ایران و روسیه در دهه ۹۰^۲

رابرت فریدمن^۳

ترجمه: داود رضایی اسکندری

یکی از برجسته‌ترین تغییرات در سیاست خارجی روسیه، در مقایسه با سیاست خارجی شوروی سابق، بازنگری در اولویت‌های منطقه‌ای بوده است. با فروپاشی شوروی، دولت‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و ماورای قفقاز^۴ به یکی از کانون‌های اصلی توجه سیاست‌گذاران روسیه، که تلاش می‌کنند تا مجدداً کنترل منطقه را به دست گیرند، تبدیل شده است. با توجه به اهمیت این دولت‌ها و روابط آن‌ها با ایران و ترکیه، روسیه تمایل داشته است تا خاورمیانه را از منظر سیاست‌هایش نسبت به آسیای مرکزی و قفقاز بنگرد.

در بین تمامی دولت‌های خاورمیانه، شاید برای روسیه هیچ کدام مهم‌تر از ایران نباشند. موقعیت استراتژیک ایران در خلیج فارس، اهمیتش به عنوان یک شریک تجاری و روابط و منافع ایران در جمهوری‌های شوروی سابق در آسیای مرکزی و ماورای قفقاز همه اینها توجه مسکو را به خود جلب کرده است.

اختلاف‌هایی بین دو کشور وجود داشته است، از جمله ترس روسیه از درخواست برخی

۱. برای مشاهده اصل مقاله رجوع کنید به:

Roberto Freedman, "Russian-Iranian Relations in the 1990s", *Middle East Review of International Affairs* (Meria Journal), Vol. 4, No. 2 (June 2000).

۲. این مقاله صرفاً برای آشنایی با دیدگاه‌های متفاوت نسبت به روابط ایران با روسیه چاپ شده است و چاپ آن دلیل بر تأیید مطالب از طرف ناشر نیست.

۳. رابرت فریدمن، استاد علوم سیاسی و رئیس دانشگاه هبروبالتیمور است.

4. Transcaucasia

محافل ایرانی برای گسترش افراط‌گرایی^۱ اسلامی و پیشنهاد ایران برای انتقال منابع انرژی از آسیای مرکزی و ماورای قفقاز (از طریق ایران) به عنوان جایگزینی از طریق راه روسیه. با این وجود، دولت بوریس یلتسین، ایران را به عنوان بازار مهمی برای سلاح‌ها و رآکتورهای هسته‌ای روسیه و به عنوان راهی برای نشان دادن استقلال خود از ایالات متحده ارزیابی می‌کرد. همچنین دو کشور در مبارزه با نفوذ ترکیه در آسیای مرکزی و ماورای قفقاز، مخالفت با نیروهای طالبان در افغانستان و مسائل آذربایجان، با یکدیگر منافع مشترکی دارند. علاوه بر این، ایران به کمک دیپلماتیک روسیه برای مقابله با تلاش‌های امریکا در منزوی کردن ایران نیازمند است.

به دنبال انتخاب آقای محمد خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور ایران در مه ۱۹۹۷، روسیه می‌بایست با احتمال از سرگیری رابطه بین ایران و امریکا، فرآیندی که از اواخر ۱۹۹۷ آغاز شده نیز مقابله نماید. اگرچه آب شدن یخ‌های روابط (بین ایران و امریکا)، به خاطر منازعه آشکار بین آقای خاتمی اصلاح‌طلب و محافظه‌کاران ایران در تابستان ۱۹۹۸ بی‌نتیجه ماند، اما تداوم احتمال از سرگیری رابطه به عنوان مشکلی برای سیاست‌گذاران روسی محسوب می‌شود، چرا که از کاهش نفوذ خود در ایران می‌ترسند به ویژه از هنگامی که جنگ چین باعث شروع فرسایش روابط ایران-روسیه گردید.

سیاست خارجی روسیه: فرآیندها و اولویت‌ها

تأثیر سیاست داخلی روسیه بر سیاست این کشور نسبت به خاورمیانه به صورت تغییر از تمایل به طرفداری شدید از غرب در ۱۹۹۲ به سوی گرایش تند ملی‌گرایی در اواخر ۱۹۹۹، به روشنی نشان داده شد. این تغییر تاحدی واکنشی نسبت به چالش‌های پارلمان روسیه بود که صحنه مبارزه سه گروه اصلی از قانون‌گذاران برای قدرت بود.

یک گروه از سیاست خارجی غرب‌گرای یلتسین حمایت می‌کرد که در آن روابط نزدیک با اسرائیل، تحریم عراق و روابط همکاری‌جویانه با کشورهای "خارج نزدیک"^۲ - جمهوری‌های سابق شوروی که ۲۵ میلیون روسی هنوز در آنجا زندگی می‌کنند و تلاش‌های یلتسین برای

1. Radicalism

2. Nearabroad

اصلاح و خصوصی سازی اقتصاد روسیه را در برمی گرفت.

گروه دوم از سیاست خارجی با تأکید بر کشورهای اوراسیا^۱ حمایت می کردند که نه منحصرأ بر اروپای غربی و امریکا، بلکه با داشتن روابط خوب با (کشورهای) خاورمیانه (شامل ایران و اسرائیل) و چین، همچون دیگر مناطق جهان تأکید داشتند. این گروه همچنین روابط نزدیک تر با کشورهای "خارج نزدیک" را تشویق می کردند. اگرچه طرفداران توجه به اوراسیا، در سیاست داخلی همچنان به دنبال اصلاحات بودند، ولی فرآیند خصوصی سازی بسیار آهسته تری را مورد حمایت قرار می دادند.

گروه سوم ترکیبی از ناسیونالیست های افراطی^۲ و کمونیست های تندرو^۳ بودند. بنابراین در سیاست های اقتصادی با گروه های قبلی تفاوت داشتند. هر دو گروه خواستار روسیه ای قدرتمند و بسیار متمرکز بودند. آنها از دولت می خواستند تا به عنوان یک قدرت مهم جهانی عمل نموده و یک رهیافت منازعه جویانه را با ایالات متحده، که از نظر آنها دشمن اصلی روسیه و همچنین اسرائیل بود بپذیرد. در این زمینه آنها از سرگیری روابط با متحدان سابق مسکو در خاورمیانه همچون عراق و تقویت روابط با ایران را پیشنهاد می کردند. این گروه سوم همچنین از برقراری مجدد سلطه مسکو در "خارج نزدیک" حمایت می کردند.^(۱) یلتسین تا هنگام استعفایش در اول ژانویه ۲۰۰۰، مجبور بود تا در دوما با یک جنبش جدی که به سوی اتخاذ موضعی ناسیونالیستی و ضد امریکایی تر حرکت می کردند، مقابله نماید.

نشانه های ناهماهنگی^۴ در سیاست گذاری خارجی روسیه

در زمانی که یلتسین سیاست کلی روسیه را نسبت به ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه تعیین می کرد، چندین بازیگر مستقل و نیمه مستقل دیگر نیز مدعی ترسیم جهت گیری روسیه بودند. این تکرار^۵ به ویژه هنگامی که برخورد مستقیم بین بازیگران مستقل و وزارت خارجه

1. Eurasian
2. Ultra-Nationatists
3. Old-Line Communists
4. Discordant Voices
5. Pluralism

روسیه رخ می‌داد، منجر به پیچیدگی سیاست‌گذاری خارجی روسیه می‌شد. هشت بازیگر کلیدی سیاست خارجی روسیه عبارت بودند از:

۱. شخص یلتسین و کارکنان دفتر ریاست جمهوری؛

۲. وزارت خارجه؛

۳. شرکت‌های بزرگ انرژی مثل Transneft, Gasprom, Lukoil که رابطه‌ای نزدیک با مجامع بانکی و تجاری روسیه دارند؛

۴. وزارت دفاع؛

۵. وزارت انرژی اتمی؛

۶. وزارت روابط اقتصادی خارجی؛

۷. شرکت دولتی صادرات تسلیحات Rosvooruzniye

۸. اولیگارش‌هایی^۱ که گاهی اوقات روابط نزدیکی با نمایندگان اصلاح طلب دوما داشتند.^(۲) در مورد فقدان نظم در سیاست‌گذاری خارجی روسیه، نشریه^۲ "کامرسانت" روسیه در تفسیری انتقادآمیز نوشت: "امروزه غیرممکن است که سیاست خارجی و سیاست اقتصادی خارجی یک پارچه‌ای^۳ را دنبال کنیم، چرا که نخبگان سیاسی و اقتصادی روسیه، از جمله نخبگان حاکم، نه تنها به هم پیوسته و متحد نیستند، بلکه به گروه‌ها، دسته‌ها و دسته‌بندی‌های متخاصم و رقیب تقسیم شده‌اند و آشکارا با یکدیگر مبارزه می‌کنند. حماقت خواهد بود اگر که شرکای خارجی ما در هر نوع گفت‌وگویی با مسکو از این شرایط (سوء) استفاده نکنند."^(۳)

شاید شرکت Lukoil، بهترین مثال از (وجود) یک سیاست‌گذار خارجی مستقل در روسیه باشد. شرکت Lukoil که بخشی از آن (۸ درصد) متعلق به شرکت امریکایی آرکو "ARCO" می‌باشد، در سال ۱۹۹۴، هنگامی که وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که هیچ یک از پنج دولت حاشیه دریای خزر (روسیه، آذربایجان، ایران، قزاقستان و ترکمنستان) نمی‌توانند مستقلاً در توسعه منابع نفت دریای خزر اقدام کنند، به منازعه مستقیم با وزارت خارجه روسیه پرداخت. در آن

-
1. Oligarchs
 2. Kommersant
 3. Integrated

هنگام شرکت Lukoil با شرکت "بهره برداری بین‌المللی آذربایجان"^۱، قراردادی را برای توسعه منابع نفت دریای خزر به امضا رسانید که صریحاً حق آذربایجان برای استخراج نفت از بخش خود در دریای خزر را به رسمیت می‌شناخت. مسأله مجدداً هنگامی بروز کرد که در سال ۱۹۹۶، شرکت Lukoil برای ساخت خط لوله نفت از حوزه نفتی تنگیز^۲ قزاقستان به بندر نووروسیسک^۳ روسیه با شرکت‌های شورون^۴ و موبیل^۵ در یک کنسرسیوم شرکت کرد. قزاقستان نیز همچون آذربایجان، ادعا می‌کند که مستقلاً حق استخراج نفت از بخش خود در دریای خزر را دارد و تلاش‌های پیشین آن کشور برای فروش نفت خود به خاطر کنترل روسیه بر خطوط انتقال نفت با مانع مواجه شده بود.

نمونه دیگر از سیاست‌گذاری خارجی مستقل در روسیه، وزارت دفاع است که در طول جنگ چچن و تاجیکستان، سیاست خود را که اغلب مخالف سیاست‌های وزارت خارجه و رئیس‌جمهور بود، اجرا می‌کرد.

وزارت انرژی اتمی روسیه که تا ۱۹۹۷ توسط ویکتور میخائیلیف^۶ و از آن تاریخ به بعد توسط یوگنی آدامف^۷ هدایت می‌شود، نیز یک بازیگر مستقل بوده است. میخائیلیف، که (بعداً با عضویت) در شورای امنیت روسیه ارتقاء مقام یافت، می‌خواست تا بسیار بیشتر از یلتسین در فروش رآکتورهای هسته‌ای به ایران و از جمله یک سیستم تفکیک گاز که می‌توانست ایران را قادر به تولید سلاح‌های هسته‌ای نماید، پیش رود. هرچند که فقط یلتسین و میخائیلیف نبودند که در مورد سیاست‌هایشان نسبت به ایران با یکدیگر اختلاف داشتند.^(۴) در دسامبر ۱۹۹۶، درست زمانی که وزیر خارجه یوگنی پریماکف^۸ در یک سفر بسیار موفقیت‌آمیز در ایران بود و از

1. Azerbaijan International
2. Tanghis
3. Novorossisk
4. Chevron
5. Mobil
6. Victor Mikhailov
7. Yevgney Adamov
8. Primakov

همکاری‌های ایران- روسیه استقبال می‌کرد، وزیر دفاع وقت روسیه، ایگور رادیونف^۱ هشدار داد که ایران یک تهدید نظامی بالقوه برای روسیه است.^(۵)

به طور خلاصه این که، این علائم ناهماهنگ و اقدامات شبه مستقل سیاست‌گذاران روسیه، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه را بسیار پیچیده کرده است و شاید این سؤال را برای تهران مطرح نماید که چه کسی سیاست خارجی روسیه را اداره می‌کند.

اولویت‌ها در خاورمیانه

روابط با ایران و ترکیه برای مسکو، به ویژه با توجه به نفوذ این کشورها در آسیای مرکزی و ماورای قفقاز و تهدید بالقوه این کشورها برای نفوذ روسیه در این مناطق، از اهمیت اولیه برخوردار است. خلیج فارس به عنوان منطقه‌ای غنی از نظر نفت و دارای اهمیت استراتژیک نیز در صدر فهرست منطقه‌های دارای اولویت برای روسیه قرار دارد.

روسیه تلاش کرده است تا سیاست‌هایش نسبت به خلیج فارس را بین ایران، عراق و دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس که روابط بین آن‌ها با خصومت عمیق همراه است، متوازن نماید. اولویت سوم، که اکنون اهمیت کمتری دارد، منطقه مرکزی (روبارویی) اعراب-اسرائیل مرکب از اسرائیل، مصر، سوریه، اردن، لبنان و فلسطین^۲ است. در اغلب دوران شوروی، توجه مسکو به این منطقه به خاطر ایجاد یک اتحاد بر پایه خصومت اعراب نسبت به آن‌چه که اتحاد جماهیر شوروی آن را محور^۳ امپریالیسم غرب-اسرائیل می‌نامید بود. با وجود این که روابط مسکو با اسرائیل به خاطر دادن رأکتورهای هسته‌ای و تکنولوژی موشکی روسیه به ایران تیره شده است ولی مسکو، اسرائیل را به عنوان نزدیک‌ترین دوست خود در این زیر منطقه^۴ به حساب می‌آورد. اسرائیل شریک تجاری مهم روسیه در بین این دولت‌ها می‌باشد و در مورد تولیدات نظامی نیز بایکدیگر همکاری می‌کنند. همچنین وجود بیش از ۹۰۰/۰۰۰ شهروند اسرائیلی که از شوروی به این کشور مهاجرت کرده‌اند، رابطه فرهنگی عمیقی را بین روسیه و

1. Igor Radionov
2. Palestinian entity
3. Linchpin
4. Sub-region

اسرائیل به وجود می‌آورد. علاوه بر این، روابط نزدیک روسیه-اسرائیل، روسیه را قادر می‌سازد تا در فرآیند صلح اعراب-اسرائیل حداقل یک نقش سمبلیک، اگر نه اساسی، را بازی کند.^(۶) در نهایت، ترکیه نیز در سیاست روسیه در خاور میانه، نقش ویژه‌ای بر عهده دارد. ترکیه نه تنها اصلی‌ترین شریک اقتصادی روسیه در منطقه و بازیگر مهمی در سیاست‌های منطقه‌ای است، بلکه به عنوان رقیب جایگاه روسیه در آسیای مرکزی و ماورای قفقاز مطرح می‌باشد.

توسعه روابط ایران-روسیه

تجدید روابط ایران-روسیه از اواخر دوره گورباچف آغاز شد. پس از حمایت روسیه، ابتدا از ایران و سپس از عراق در طول جنگ ایران-عراق تا ژوئیه ۱۹۸۷ گورباچف آشکارا به سمت ایران متمایل شده بود. دو دولت در ژوئن ۱۹۸۹، هنگامی که رئیس‌جمهور ایران، آقای هاشمی رفسنجانی از مسکو دیدار کرد که منجر به امضای چند موافقتنامه مهم از جمله موافقتنامه‌ای در مورد همکاری نظامی گردید، روابط خود را مستحکم کردند. موافقتنامه نظامی به ایران اجازه می‌داد تا هواپیماهای نظامی بسیار پیشرفته از جمله MIG29 و SU-24 را از مسکو خریداری نماید. در آن زمان ایران شدیداً نیازمند تسلیحات نظامی شوروی بود، چرا که ناوگان هوایی‌اش به خاطر جنگ هشت ساله با عراق بسیار فرسوده شده بود و نمی‌توانست درخواست لوازم یدکی (و مطمئناً هواپیماهای جدید) را از ایالات متحده بنماید.^(۷)

وابستگی نظامی ایران به مسکو در نتیجه جنگ خلیج فارس "۱۹۹۱-۱۹۹۰" گسترش یافت. در نتیجه این جنگ، ایالات متحده، دشمن اصلی ایران، به اولین قدرت نظامی خلیج فارس تبدیل شد و چندین موافقتنامه دفاعی با دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس امضا کرد که ترتیبات مقدماتی برای استفاده از تسلیحات و ابزار نظامی ایالات متحده بودند. همچنین عربستان سعودی، مهم‌ترین رقیب ایران در بین کشورهای اسلامی، میزان زیادی از تسلیحات امریکایی را به دست آورد. به علاوه، اگرچه جنگ به عراق صدمه بسیار وارد کرد، ولی در صورت برداشتن تحریم‌ها به خاطر ثروت نفت می‌توانست به سرعت از نظر نظامی وضعیت خود را بهبود بخشد.

جنگ در افغانستان، در شمال شرق ایران، به‌رغم عقب‌نشینی شوروی ادامه یافت و

نیروهای شیعه مورد حمایت ایران، شکست‌های سنگینی را متحمل شدند. در شمال، فروپاشی شوروی برای ایران هم فرصت و هم تهدید بود. به عنوان مثال، از یک سو ایران این فرصت را پیدا کرد تا نفوذ خود را در شش دولت جدید مسلمان (آذربایجان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان) گسترش دهد. اما ایران نیز از چند جهت به چالش کشیده شد. در آذربایجان، جبههٔ مردمی،^۱ که در سال ۱۹۹۳-۱۹۹۲ حاکمیت داشت، بر اتحاد آن کشور با منطقه‌ی آذربایجان ایران اصرار داشت. ایران با مشکل مشابهی، اگرچه بسیار کمتر، با ترکمنستان نیز مواجه بود، چراکه منابع گاز طبیعی آن کشور ممکن بود جاذبهٔ قوی برای الحاق ترکمن‌هایی که در شمال شرقی ایران زندگی می‌کردند به وجود بیاورد.

با توجه به نیاز ایران به تسلیحات پیشرفته، آقای رفسنجانی در طول دوران ریاست جمهوری‌اش مراقب بود تا شوروی یا روسیه را از خود دور نسازد. بنابراین، هنگامی که آذربایجان در نوامبر ۱۹۹۱ استقلال خود را از شوروی اعلام کرد، ایران برخلاف ترکیه تا بعد از فروپاشی شوروی استقلال آن کشور را به رسمیت نشناخت. همچنین به‌رغم برخی شعارهای مقامات ایرانی، آقای رفسنجانی تضمین نمود که با تأکید بر روابط اقتصادی و فرهنگی به جای روابط براساس اسلام، به عنوان مهم‌ترین بخش روابط، توجه مذهبی کمتری را به آذربایجان و آسیای مرکزی مبدول دارد. بخشی از این به خاطر این حقیقت بود که بعد از ۷۰ سال حکومت شوروی، اسلام در آن مناطق ضعیف بود؛ همهٔ رهبران دولت‌های جدید سکولار بودند و فرصت برای یک انقلاب اسلامی شبیه ایران بسیار کم بود. علاوه بر این، برخی منتقدان می‌گویند که ایران منتظر است تا مساجد ساخته شوند و اسلام گسترش یابد و آنگاه برای به وجود آوردن انقلاب اسلامی تلاش نماید.^(۸)

به هر حال، رهبران روسیه معتقدند که ایران در آسیای مرکزی و ماورای قفقاز اساساً بسیار مسؤولانه عمل می‌کند و به همین دلیل آماده‌اند تا سلاح‌های مدرن-از جمله زیردریایی‌ها را به‌رغم مخالفت شدید امریکا در اختیار تهران قرار دهند. واکنش کم^۲ ایران نسبت به اولین شورش مسلمانان در چین (۱۹۹۶-۱۹۹۴) و نسبت به سیاست روسیه در طرفداری از صرب‌ها

1. Popular Front

2. Low Key

و در ضدیت با مسلمانان بوسنی در ۱۹۹۵-۱۹۹۳ به تقویت بیشتر روابط کمک نمود. در سال ۱۹۹۲، سال روابط بسیار نزدیک یلتسین با ایالات متحده، هنگامی که یلتسین و واشنگتن تقریباً روی تمام مسائل خاورمیانه به جز ایران با یکدیگر توافق داشتند- دو کشور به خاطر فرستادن سلاح‌های روسیه به ایران با یکدیگر برخورد پیدا کردند. عراق و لیبی تحت تحریم‌های سازمان ملل قرار داشتند، درحالی که سوریه فاقد سرمایه برای پرداخت تسلیحات بود و تقریباً ۱۰ میلیارد دلار به روسیه بدهکار بود. ولی در مقابل، ایران می‌توانست نیاز بسیار شدید روسیه به سرمایه را برآورده سازد.

به علاوه به‌رغم توجه یلتسین به ایالات متحده، برخی از شخصیت‌های با نفوذ مسکو همچون یوگنی پریماکف، رئیس وقت یکی از شاخه‌های اطلاعات روسیه، از سیاست مستقلانه‌تر مسکو در خاورمیانه حمایت می‌کنند. با توجه به این که ایالات متحده با ایران و عراق رابطه نداشت، روسیه می‌توانست خلأ دیپلماتیک در هر دو کشور را پر کند. همچنین، برخلاف عراق و لیبی، متحدان امریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) روابط اقتصادی گسترده خود را با ایران حفظ کردند، هر چند مسأله سلمان رشدی و قتل ایرانیان تبعیدی در اروپای غربی، روابط سیاسی را خراب کرد. بنابراین روسیه برای معاملات خود با ایران از پشتوانه دیپلماتیک زیادی برخوردار است. در نتیجه، هنگامی که یلتسین به اتهام تبعیت بیش از حد از امریکا مورد انتقاد فزاینده اعضای پارلمان در سال ۱۹۹۴-۱۹۹۳ قرار گرفت، وی به انتقادات امریکا از سیاست‌هایش نسبت به ایران- که تا سال ۱۹۹۳ وعده فروش رآکتورهای هسته‌ای را نیز در برمی‌گرفت- اشاره کرد تا استقلال خود را نشان دهد. همچنین یکی از مسائل اصلی مورد اختلاف در نشست مسکو بین یلتسین و کلینتون در مه ۱۹۹۷ تصمیم ژانویه ۱۹۹۷ روسیه برای فروش رآکتورهای هسته‌ای به ایران بود که واشنگتن ادعا می‌کرد باعث تسریع دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای می‌شود. یلتسین فشار امریکا برای عقب‌نشینی از آن تصمیم را نپذیرفت، اما وی موافقت کرد که فروش یک سیستم تفکیک گاز پیشنهاد شده به ایران را- که در ابتدا توسط وزارت انرژی اتمی روسیه تصویب شده بود- که ممکن بود به توسعه هسته‌ای ایران کمک نماید، لغو کند. مسأله‌ای که تعداد بسیار کمی از روس‌ها از جمله یلتسین با آن موافق بودند. با وجود این، روس‌ها مرتباً اظهار می‌کردند که مخالفت امریکا با فروش رآکتورهای هسته‌ای به ایران نه به

خاطر ترس واقعی از دست‌یابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، بلکه به خاطر حسادت^۱ تجاری است.

رابطه استراتژیک

تا تابستان ۱۹۹۵ روسیه و ایران، آنچه را که سفیر روسیه در ایران آن را یک رابطه استراتژیک خوانده بود آغاز کردند. با شدت گرفتن جنگ چین و درخواست کنونی واشنگتن برای گسترش ناتو، ناسیونالیست‌های روسیه رابطه نزدیک‌تر با ایران را به عنوان ایجاد نوعی توازن متقابل می‌دانستند. یک تحلیل‌گر در مقاله‌ای در روزنامه Segondia در مه ۱۹۹۵ نوشت: برای صنعت اتمی روسیه همکاری با ایران چیزی بیش از مسأله پول و نظم است. امروزه یک تهران متخاصم اگر واقعاً بخواهد که از شورشیان^۲ مسلمان با اسلحه، پول و داوطلب^۳ حمایت کند، می‌تواند مشکلات بسیاری را در جنوب قفقاز و تاجیکستان برای روسیه ایجاد کند. از سوی دیگر یک ایران دوست می‌تواند به یک متحد استراتژیک مهم تبدیل شود^۴.

گسترش ناتو به شرق، روسیه را مجبور می‌کند تا با عجله به دنبال حداقل نوعی متحدان استراتژیک باشد. در چنین وضعیتی، رژیم ضدغربی و ضدامریکایی در ایران یک شریک طبیعی و بسیار مهم خواهد بود. ایران تسلیح شده با سلاح‌های روسی از جمله آخرین الگوهای مین‌های دریایی، اژدر و موشک‌های ضد کشتی، در صورت لزوم خواهد توانست عبور تانکرها از تنگه‌ی هرمز را به طور کامل متوقف سازد و از این طریق ضربه جدی‌ای را در یک نقطه حساس به غرب وارد نماید. اگر در چنین بحرانی هواپیماهای جنگنده روسی و مجموعه موشک‌های ضد هواپیما ایران را در مقابل حملات تلافی جویانه‌ی هواپیماهای امریکایی و موشک‌های کروز پوشش دهند، باز کردن خلیج فارس بدون وارد شدن به یک جنگ زمینی پرهزینه و گسترده بسیار مشکل خواهد بود.^(۹)

آقای علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران در مارس ۱۹۹۶ از مسکو دیدار کرد و اظهار داشت: روابط روسیه-ایران در بالاترین سطح خود در تاریخ معاصر است^(۱۰). در مسکو، وی و

-
1. Commercial Jealousy
 2. Insurgent
 3. Volunteer

پریماکف با گسترش ناتو به شرق مخالفت کردند و همچنین تأکید کرد که ایران از تمدید متارکه جنگ در تاجیکستان که اخیراً به نتیجه رسیده است و توسعه همکاری در حوزه‌های نفتی دریای خزر خوشحال است.

توسعه‌ی روابط اقتصادی و نظامی ایران- روسیه همراه با گزارش‌هایی از برنامه‌ی روسیه برای فروش ۴ میلیارد دلار تسلیحات نظامی و دیگر لوازم به ایران بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ در صورتی که ایران تعهدات مالی‌اش را انجام دهد- شاید این شرط به دلیل کاهش قیمت نفت و ضعف اقتصادی ایران گنجانده شده باشد- ادامه یافت. (۱۱)

افغانستان و تاجیکستان

پیروزی نظامی شگفت‌انگیز و سریع نیروهای طالبان در افغانستان در سپتامبر ۱۹۹۱ هم روابط نزدیک‌تر ایران- روسیه را تشویق کرد. با توجه به این که طالبان سنی دشمن نیروهای شیعه مورد حمایت ایران در افغانستان می‌باشند و این که ماهیت متحجرانه^۱ اسلام طالبان حتی باعث شرمندگی کادر رهبری ایران شد، ایران به دنبال تشکیل ائتلافی بود تا تهاجم طالبان را متوقف سازد. ایران برای بررسی وضعیت افغانستان، یک کنفرانس منطقه‌ای را در تهران، با شرکت روسیه برگزار کرد. رهبران روسیه نیز که از امکان نفوذ طالبان به آسیای مرکزی یا حتی خود روسیه (که ۲۰٪ جمعیتش را مسلمانان تشکیل می‌دهند) می‌ترسیدند منافع مشترکی با ایران در متوقف کردن طالبان داشتند. به همین خاطر طی سفر پریماکف به تهران در ۱۹۹۶ بررسی وضعیت افغانستان یکی از موارد مهم دستور کار وی بود. به علاوه این حقیقت که افغانستان، تحت سلطه‌ی طالبان به سرعت تبدیل به پناهگاه تهیه‌کنندگان مواد مخدر گردید نیز ایران و روسیه را که با افزایش مشکلات ناشی از مواد مخدر رو به رو بودند، نگران ساخت و دو کشور در سال ۱۹۹۹ موافقتنامه‌ای را برای مبارزه با مواد مخدر به امضا رسانیدند. (۱۲)

نگرانی‌ها در مورد افغانستان حتی بحث‌های مربوط به تاجیکستان را نیز تحت تأثیر قرار داد. تاجیکستان برای روسیه نمونه‌ای از تهدید رادیکالیسم اسلامی، به ویژه پس از سقوط شوروی، بود. ولی جالب این که، جنگ داخلی تاجیکستان به خاطر تلاش تندروهای اسلامی

برای به دست گرفتن قدرت شروع نشد، بلکه به خاطر اتحاد سست^۱ دموکرات‌های غرب‌گرا و اسلام‌گرایان^۲ میانه‌رو و در ابتدا از استان‌های شرقی گارم و پامیر^۳، با بیرون انداختن یک رهبر کمونیست تندرو آغاز گردید.

هنگامی که کمونیست‌ها با کمک نیروهای شوروی و ازبک به قدرت بازگشتند تعداد زیادی از اسلام‌گرایان از طریق مرز به افغانستان رفتند و در آنجا گرایش‌های افراطی پیدا کرده و سپس از طریق مرز به تاجیکستان حمله‌هایی را تدارک دیدند. طی این فرآیند، آنها تعدادی از سربازان روسی را که از مرزهای تاجیکستان محافظت می‌کردند کشتند که با این اقدام مسکو را نیز به جنگ کشانیدند و برای رهبران روسیه که دیگر هیچ تمایلی به درگیر شدن جدی در جنگی چون افغانستان در آسیای مرکزی و قفقاز را نداشتند، مشکل مهمی را به وجود آوردند. در چنین شرایطی، برای یلتسین حل و فصل دیپلماتیک جنگ در تاجیکستان به یک هدف مهم تبدیل شد. اگرچه برخی در وزارت دفاع برای تلافی شکست روسیه از اسلام‌گرایان در افغانستان، جنگ در تاجیکستان را ترجیح می‌دادند.^(۱۳)

از آنجا که تعداد زیادی از رهبران مخالف مسلمان، از جمله اکبر تورجان زاده^۴، به ایران پناهنده شدند، لازم بود تا ایران را نیز به این فرآیند دیپلماتیک وارد نمایند. تا بهار ۱۹۹۴، با وجود این که نیروهای روسی همچنان در طول مرزهای تاجیکستان-افغانستان متحمل تلفاتی می‌شدند، روسیه با کمک ایران ترتیبی داد تا گفتگوهای بین طرف‌های مخالف آغاز گردد و سپس موافقتنامه‌ای را بین دولت تاجیکستان و نیروهای اسلامی به امضا رسانیدند. بنابراین حداقل تا زمان کنونی به‌رغم این که بی‌اعتمادی بین دولت تاجیکستان و نیروهای مخالف همچنان زیاد است و موافقتنامه با شکست‌های زیادی روبه‌رو شده است، روابط ایران-روسیه تقویت شده است. دو کشور همچنان در مورد تاجیکستان ارتباط نزدیک با یکدیگر را حفظ کرده‌اند.^(۱۴)

-
1. Loose alignment
 2. Moderate Islamists
 3. Garm and Pamir
 4. Turajanzode

نقش امریکا

انتخاب آقای محمد خاتمی به عنوان رئیس جمهور ایران در مه ۱۹۹۷ منجر به تغییر در رابطه ایران- روسیه گردید. آقای خاتمی سیاست اصلاحات داخلی و آزادسازی^۱، از سرگیری روابط با جهان عرب، اروپا و ایالات متحده را در پیش گرفت. اگرچه نیروهای محافظه کار با بهبود روابط با جهان عرب و اروپا چندان مخالفت نکردند ولی با سیاست آزادسازی داخلی و از سرگیری روابط با ایالات متحده مخالفت کردند.

از سرگیری روابط در دسامبر ۱۹۹۷ با سخنرانی آقای خاتمی در سی ان ان و پیشنهاد بهبود روابط به مردم امریکا آغاز گردید و سخنرانی یک ماه بعد بیل کلینتون پاسخی بود به پیشنهاد آقای خاتمی. این اقدامات ادامه یافت: دیدار تیم کشتی ایالات متحده از تهران؛ عدم اجرای تحریم های امریکا علیه شرکت های مالزیایی، فرانسوی و روسی به خاطر اجرای برنامه توسعه حوزه گاز پارس جنوبی ایران؛ سخنرانی مهم وزیر خارجه ای امریکا مادلین آلبرایت که راهی برای رفع اختلافات به ایران پیشنهاد کرد. ولی آقای خاتمی به دلیل حمله مه ۱۹۹۸ محافظه کاران^(۱۵) به مجلس، که تا انتخابات مجلس در فوریه ۲۰۰۰ ادامه یافت، به این پیشنهاد پاسخ نداد.

در همین زمان، در ژوئیه ۱۹۹۸، آزمایش موفق موشک میان برد^۲ شهاب ۳ ایران (با برد ۱۳۰۰ کیلومتر) باعث تقویت موضع کسانی شد که در ایالات متحده خواستار تحریم امریکا علیه شرکت های روسی که به برنامه های موشکی ایران کمک می کردند، بودند. در دسامبر ۱۹۹۸، گزارشی از سیا^۳ اعلام می کرد که کمک روسیه منجر به تسهیل برنامه توسعه موشک شهاب ۳ ایران شده است و اقلام مربوط به سلاح های هسته ای روسیه به توسعه و تحقیقات سلاح های هسته ای ایران کمک خواهد کرد.^(۱۶)

به دنبال این گزارش، ایالات متحده در ژانویه ۱۹۹۹ تحریم هایی را علیه دو مؤسسه مهم روسی - مؤسسه تحقیقات و طراحی علمی^۴، برای فن آوری نیرو و دانشگاه فن آوری شیمیایی مندلیوف^۵ - و هشت سازمان دیگر روسی اعمال کرد^(۱۷). به رغم انکار اولیه، یوگنی آدامف، وزیر

1. Liberalization
2. Intermediate
3. CIA
4. The Scientific Research & Design Institute for Technology (Nikiet)
5. Mendeleev University of Chemical Technology

انرژی اتمی روسیه، در ماه مارس به "نیویورک تایمز" گفت: اگر تحریم‌ها علیه این دو مؤسسه برداشته شوند، روسیه همکاری هسته‌ای با ایران را کاهش خواهد داد. قبل از آن، در ژانویه یلتسین قول داد که فروش (۱۸) فن آوری‌های دارای مصرف دوگانه^۱ را به ایران متوقف سازد. (۱۹)

سقوط مالی روسیه در اوت ۱۹۹۸، رها کردن قراردادهای پرسود با ایران را مشکل ساخت ولی مسکو نیاز خود را به کمک‌های اقتصادی آمریکا هم می‌دانست. در همین زمان، این نگرانی نیز مطرح بود که از سرگیری بی‌نتیجه مانده روابط بین ایران و ایالات متحده، ممکن بود آغاز شود و موقعیت روسیه را در ایران تضعیف کند. به ویژه اگر واشنگتن با ایجاد خط لوله نفت و گاز از طریق ایران (در مقابل مسیر قبلی مورد علاقه‌ی آمریکا از طریق آذربایجان، گرجستان و ترکیه) موافقت نماید.

نگرانی روسیه همچنین به خاطر کندی پیشرفت پروژه‌ی رآکتور هسته‌ای بوشهر، مهم‌ترین بخش روابط روسیه-ایران، افزایش یافت. در اواخر نوامبر ۱۹۹۸، وزیر انرژی اتمی، آدامف سفر مهمی را به ایران انجام داد و به موافقتنامه‌ی دست یافت که پروژه بوشهر را به یک پروژه کلیدی تبدیل می‌کرد و تکنسین‌های روسی و غیرایرانی، رآکتور را تا تاریخ مه ۲۰۰۳ تکمیل می‌کردند. مسکو از وعده‌هایش در مورد پروژه بوشهر (۲۰) عقب‌نشینی نمی‌کرد. به طوری که سرگیشی کاراگانف^۲، یکی از دانشمندان مهم روسی و مشاور سیاسی دولت، صریحاً اظهار داشت که حتی اگر آمریکا به روسیه پیشنهاد اعطای کمک‌های مالی جایگزین را نیز بدهد، باز هم همکاری هسته‌ای روسیه-ایران ادامه خواهد یافت. حوزه‌های مربوط به مسائل هسته‌ای و انرژی در مسکو از لابی بسیار قوی برخوردار می‌باشد. (۲۱)

در نتیجه پیچیدگی‌ها و مشکلات در روابط روسیه-ایالات متحده، روسیه در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۹ وادار شد آنچه که ممکن است یک سیاست حداقلی^۳ نسبت به ایران خوانده شود را دنبال کند و تلاش می‌کرد تا حداکثر نفوذ خود در ایران را حفظ کند و در همین حال آسیب دیدن روابط روسیه-ایالات متحده را نیز به حداقل برساند.

-
1. Dual-Use Technology
 2. Sergei Karaganov
 3. Minimax Policy

سیاست خطوط لوله (نفت و گاز)

در حالی که روسیه به همکاری هسته‌ای خود با ایران ادامه می‌داد به‌رغم این که طور دیگری اعلام می‌کرد، همکاری در پروژه‌های دریای خزر را نیز افزایش داد. سواحل ایران نفت کمی دارد و با موافقتنامه‌ی ژوئیه ۱۹۹۸ روسیه - قزاقستان که دریای خزر را تقسیم می‌کند مخالفت کرده است. (۲۲)

با وجود این، تلاش ایالات متحده برای پیشبرد خط لوله نفت باکو - جیحان و خط لوله گاز از طریق دریای خزر^۱، ایران و روسیه را به یکدیگر نزدیکتر ساخت. همچنان که هر دو کشور به خاطر تمایل گرجستان و آذربایجان به همکاری نزدیک با ناتو بسیار نگران شدند. (۲۳) پیش‌آمدی که با تصمیم نشست سازمان همکاری و امنیت^۲ اروپا در استانبول در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۹ که خواستار ساختن خط لوله نفت باکو - جیحان شدند، تقویت گردید.

احتمالاً آنچه که باعث نگرانی بیشتر روسیه و ایران شد، اقدام دوم جلسه شورای امنیت و همکاری اروپا بود. یک اعلامیه بین دولتی^۳ در مورد قصد آنها برای ساخت خط لوله گاز از طریق دریای خزر از ترکمنستان به باکو برای انتقال گاز به ترکیه^(۲۴)، مسکو امیدوار بوده است که مهم‌ترین تأمین‌کننده گاز طبیعی ترکیه از طریق خط لوله گاز Blue Stream باشد، درحالی که ایران امیدوار بوده است تا گاز (مورد نیاز) ترکیه را با انتقال گاز ترکمنستان از طریق خط لوله گاز خودش تأمین کند. ایران نه تنها خواستار عبور گاز طبیعی و نفت دریای خزر از طریق قلمرو خود به بازارهای جهانی است - در مقابل مسیرهای آذربایجان، گرجستان و ترکیه بلکه از این موضوع نیز ترس داشت که این دو پروژه "عبور این خطوط از آذربایجان" باعث تقویت آذربایجان گردد. در نتیجه، بلافاصله پس از امضای موافقتنامه‌ی شورای امنیت و همکاری اروپا، روسیه و ایران تلاش کردند تا توجهات اقتصادی این پروژه‌ها را تضعیف کنند. شرکت گاز روسیه، گسپروم^۴ به طور ناگهانی، احتمالاً به خاطر فشار دولت روسیه، در دسامبر ۱۹۹۹، پس از دو سال چانه‌زنی برای خرید گاز طبیعی ترکمنستان به قیمت هر هزار متر مکعب ۳۶ دلار و خرید میزان

1. Trans-Caspian
2. OSCE
3. Intergovernmental declaration
4. Gasprom

زیادی از گاز ترکمنستان در سال ۲۰۰۰ با ترکمنستان به توافق رسید. هدف این بود تا ترکمنستان را از پیش بردن سریع خط لوله گاز از طریق دریای خزر بازدارند (۲۵). ایران نیز در تلاش برای تحریک شرکت‌های عمده نفتی به عدم اجرای خط لوله باکو-جیحان، قیمت مبادله نفت خود با ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان را از آغاز سال ۲۰۰۰ تا ۳۰ درصد کاهش داد. در همین رابطه مهدی حسینی، معاون امور بین‌الملل وزیر نفت ایران، صریحاً اظهار داشت: "کاهش قیمت، ایران را برای مقابله با گزینه‌های^۱ سیاسی، برای صادرات مواد خام دریای خزر در موضع برتری قرار می‌دهد. (۲۶)

با وجود این اگرچه ایران و روسیه برای متوقف کردن اجرای خط لوله باکو-جیحان و خط لوله دریای خزر با یکدیگر همکاری می‌کردند، ولی منافع بلندمدت^۲ آنها در مورد منابع انرژی دریای خزر متفاوت بود. مسکو می‌خواست تا خطوط انتقال از روسیه عبور کند تا به روسیه برای کنترل دولت‌های ماورای قفقاز و آسیای مرکزی کمک نماید. از سوی دیگر ایران-با حمایت تعدادی از شرکت‌های نفت و گاز خارجی- ادعا می‌کرد که ارزاترین و امن‌ترین مسیر انتقال نفت و گاز طبیعی دریای خزر از طریق این کشور خواهد بود. همچنان که آقای کمال خرازی، وزیر خارجه ایران اعلام کرد که: "ما معتقد به تنوع خطوط انتقال انرژی هستیم ولی ایران را به عنوان بهترین مسیر برای جنوب، شرق و غرب می‌دانیم (۲۷)". با وجود این مسکو و تهران حداقل در کوتاه مدت^۳ در مورد مسائل دریای خزر همکاری می‌کردند و هر دو کشور از افزایش سریع قیمت نفت در ۱۹۹۹، که در نتیجه‌ی افزایش همکاری بین ایران، عربستان سعودی و نزوئلا ممکن گردید، منتفع شدند.

کوزوو و چین

اگرچه ایران و روسیه در امور مربوط به همکاری هسته‌ای و مانع تراشی برای احداث خطوط لوله‌ی باکو-جیحان و دریای خزر، دارای منافع مشترکی می‌باشند، ولی در جنگ دوم چین که در اوت ۱۹۹۹ آغاز شد با یکدیگر برخورد پیدا کردند. برخلاف وضعیت موجود در

-
1. Political alternative
 2. Long-run interest
 3. Short-run

طول اولین جنگ چچن (۱۹۹۶-۱۹۹۴)، در ۱۹۹۹ ایران ریاست سازمان کنفرانس اسلامی را برعهده داشت و می‌بایست رفاه همه مسلمانان را در نظر بگیرد. در نتیجه این که، به عنوان مثال اصرار داشت که ایالات متحده و بریتانیا بمباران عراق را قبل از شروع ماه رمضان که از اواخر دسامبر ۱۹۹۸ شروع شد، متوقف سازد.

به‌رغم این که روسیه و ایران در طول جنگ کوزوو از گروه‌های مختلفی حمایت می‌کردند، ولی روابط خوب خود را نیز حفظ کردند ولی هنگامی که گزارش‌هایی از کشتار دسته‌جمعی^۱ غیرنظامیان چچنی توسط سربازان روسی منتشر گردید، ایران خود را در یک وضعیت پیچیده‌ای^۲ گرفتار دید که مجبور بود تا منافع مالی و نظامی خود در روسیه را به‌رغم موقعیتش در سازمان کنفرانس اسلامی، که از ایران می‌خواست تا آشکارا علیه کشتار مسلمانان چچن موضع‌گیری کند، ترجیح دهد. در نتیجه، با وجود این که ایران تأکید می‌کرد که چچن مسأله داخلی روسیه است، انتقاداتش نسبت به رفتار مسکو نیز مرتباً افزایش می‌یافت. در مقابل مسکو نیز به طور فزاینده‌ای از ایران انتقاد می‌کرد. ولی دو طرف خواستار کاهش اختلافات بودند. بنابراین با شدت گرفتن جنگ در سپتامبر ۱۹۹۹، حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرد که: "جمهوری اسلامی ایران ضمن احترام به تمامیت ارضی روسیه، خشونت و اقدامات خصمانه را به عنوان راه مناسب برای برخورد با رخداد‌های اخیر در چچن نمی‌داند. دولت و مردم ایران از تداوم عملیات نظامی نیروهای روسیه در قفقاز شمالی اظهار تأسف می‌کنند"^۳ (۲۸). هنگامی که ایران پیشنهاد کمک برای حل و فصل مسأله‌آميز بحران را ارائه کرد، وزیر خارجه روسیه، ایگور ایوانوف در ۱۲ اکتبر این‌گونه پاسخ داد که: "دیدگاه‌های کشورهای مسلمان در مورد وقایع چچن برای ما مهم است، اما به هر حال، آن یک مسأله داخلی روسیه است و ما قصد داریم تا آن را به طور مستقل، بدون هرگونه کمک یا مداخله^۴، حل و فصل نماییم. مسکو انتقاداتش را نسبت به ایران در ماه نوامبر،^۵ (۲۹) با قرارداد ایران در فهرست کشورهای که متهم به کمک به چچنی‌ها هستند، افزایش داد^۶ (۳۰). البته مسکو طی اعلامیه‌ای به سازمان کنفرانس اسلامی نیز اخطار داد که به شورشیان چچن کمک نکند. همچنین ایگور ایوانوف در همان پاسخ قبلی خود

1. Massacring

2. Dilemma

3. Interference

(به پیشنهاد ایران) اظهار داشت که: "بدیهی است که هر نوع حمایت از اقدامات تروریست‌ها به عنوان مداخله گستاخانه امور داخلی فدراسیون روسیه، با تمام پی آمدهای منطقی‌اش، در نظر گرفته خواهد شد." (۳۱)

ولی به‌رغم این اظهارات، با شدت گرفتن جنگ، مسکو به نمایندگان سازمان کنفرانس اسلامی به ریاست ایران، اجازه داد تا در ماه دسامبر از روسیه و مناطق شمال قفقاز بازدید کنند و همچنین به دولت‌های اسلامی اجازه داد تا کمک‌های بشردوستانه را برای پناهندگان چچنی ارسال نمایند. با این وجود این که هیأت سازمان کنفرانس اسلامی انتقاداتش از مسکو را در سطح پائینی نگه داشت ولی اعلام کرد که عملیات نظامی (روسیه) با اقدامات خشونت‌آمیزی که باعث تحریک (به‌توسل به عملیات نظامی) آن شده است "نامتناسب"^۱ است. این هیأت همچنین از وقوع کشتار گسترده (چچنی‌ها) اظهار تأسف کرد. (۳۲)

با ادامه‌ی جنگ در طی ماه رمضان، انتقادات ایران نیز افزایش یافت و وزیر خارجه ایران، آقای کمال خرازی، ضمن ریاست بر هیأت دیگر اعرامی سازمان کنفرانس اسلامی به مسکو، در ژانویه ۲۰۰۰ در ملاقات با معاون وزیر خارجه روسیه گریگوری کاراسین^۲ گفت: که تداوم فاجعه‌ی چچن "برای جهان اسلام پذیرفتنی نیست و تصویر ناخوشایندی را از روسیه نزد (کشورهای) منطقه و جهان اسلام ایجاد خواهد کرد." (۳۳) وی از روسیه خواست تا عملیات نظامی را در چچن متوقف سازد و بحران را فقط با استفاده از ابزارهای سیاسی حل نماید. کارامین در پاسخ از تلاش‌های ایران برای پایان دادن به بحران چچن و کمک‌های بشردوستانه‌ای که برای پناهندگان چچنی ارسال کرده است، تشکر کرد. وی اظهار داشت که روسیه از توان سیاسی خود برای حل بحران چچن استفاده خواهد کرد. (۳۴) از نظر برخی مسلمانان، انتقاد ایران از مسکو در حد کافی نبوده است. سرمقاله‌ی ۲۷ ژانویه ۲۰۰۰، روزنامه‌ی الشرق الاوسط^۳، متعلق به عربستان سعودی که در لندن منتشر می‌شود، می‌نویسد که آقای خرازی با اصرار بر این که جنگ چچن مسأله داخلی روسیه است "به جمهوری چچن از پشت خنجر زده و مقصر است." (۳۵)

آشکار است که روابط ایران- روسیه به خاطر جنگ چچن صدمه دیده است و در صورت

1. Disproportionate

2. Grigory Karasin

تداوم جنگ و افزایش کشتار مسلمانان ممکن است بدتر شود.

ولی به هر حال، روسیه از عدم بهبود روابط ایران- ایالات متحده در این مدت، به رغم انتقاد امریکا از رفتار روسیه در چین؛ برداشتن تحریم‌های امریکا در مورد فروش غذا و دارو به ایران و اعلام شورای ملی مقاومت ایران (منافقین) که پایگاهش در عراق است (و در فوریه ۲۰۰۰ با خمپاره به کاخ ریاست جمهوری در تهران حمله کرد) به عنوان یک سازمان تروریستی، خوشحال بود.^(۳۶) آقای خاتمی در موقعیتی نبود که بتواند گفتگوهای سیاسی مورد نظر واشنگتن را آغاز کند و یا حتی به دیپلمات‌های امریکا اجازه دهد تا به ایجاد دفاتر کنسولی که مورد درخواست امریکا بود اقدام کنند.

بیانیه مقامات امریکایی در مورد احتمال دست داشتن ایران در بمب‌گذاری سال ۱۹۹۶ در مقر نیروهای هوایی امریکا در خبار^۱ عربستان سعودی، و همچنین محکوم کردن دستگیری سیزده ایرانی یهودی به اتهام جاسوسی برای اسرائیل از سوی وزیر خارجه، مادلین آلبرایت منجر به بدتر شدن مسأله (رابطه ایران- امریکا) گردید.^(۳۷) اقدامات بعدی روابط ضعیف ایران- ایالات متحده را مورد تهدید بیشتر قرار داد.

سرمقاله‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی، در ژوئن ۱۹۹۹ نوشت که: "حمایت واشنگتن از جاسوس‌ها نشان می‌دهد که ایالات متحده همچنان دشمن مردم ایران است و این باید درسی باشد برای تمام کسانی که در ایران از عادی‌سازی روابط با ایالات متحده حمایت می‌کنند."^(۳۸) تظاهرات دانشجویی ژوئیه ۱۹۹۹ در تهران^(۳۹) همچنین محاکمه عبدالله نوری، وزیر کشور سابق نیز روابط ایران و امریکا را تضعیف نمود.^(۴۰)

در سوم نوامبر ۱۹۹۹، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر مذهبی ایران، در اجتماع گرامی داشت بیستمین سالگرد تصرف سفارت امریکا، اظهار داشتند که: "در ایران اقلیت کوچک اما فعالی وجود دارند که برای آنها دستورات اسلام اهمیتی ندارد" و به نفع امریکا و بر ضد منافع ایران فعالیت می‌کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، افزودند که مشکل (روابط ایران و امریکا) این بود که ایران بزرگترین و مهم‌ترین مرکز مقابله با اسرائیل بود.^(۴۱)

به رغم این امتناع (از تجدید رابطه) و اتهامات دیگری (از سوی امریکا) مبنی بر افزایش

کمک‌های ایران به گروه‌های تروریستی،^(۴۲) کلیتون به شرکت بوئینگ اجازه داد تا لوازم یدکی موتورهای بوئینگ ۷۴۷ را برای جلوگیری از خراب شدن آنها در طی پروازها به ایران بفروشد.^(۴۳) با وجود این، وزیر خارجه ایران، آقای کمال خرازی، در اوایل ژانویه ۲۰۰۰ اظهار داشت که: "وارد شدن به گفتگو با ایالات متحده از نظر ما جدی و قابل قبول نمی‌باشد."^(۴۴) از آنجا که انتخابات مجلس به پیروزی بزرگ طرفداران خاتمی منجر شد، تلاش‌ها برای تنش‌زدایی بین ایران-ایالات متحده نیز ممکن است مجدداً آغاز شود که به طور بالقوه باعث تضعیف موقعیت روسیه می‌شود. ولی به هر حال جنگ چچن باعث آغاز فرسایش روابط بسیار نزدیک ایران-روسیه گردید.

نتیجه

به‌رغم وجود برخی موارد عدم توافق، ثابت شد که روابط ایران-روسیه طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۱ به نفع هر دو کشور بوده است ولی آینده روابط دو کشور چندان روشن نیست. از نظر روسیه، ایران (به‌رغم مشکلاتی که گاهی در پرداخت بدهی‌هایش دارد) یک مشتری عالی برای سلاح‌های روسی و راکتورهای هسته‌ای است. ایران برای روسیه علیه آنچه که روسیه هم‌زمان با بدتر شدن روابط روسیه-امریکا "هژمونی ایالات متحده" می‌نامید و همچنین در کمک به ایجاد حداقل صلحی محدود در تاجیکستان؛ برای مقابله با رژیم طالبان در افغانستان و برای مهار آذربایجان به صورت یک متحد بوده است. در حالی که روسیه هنوز بحران اقتصادی اوت ۱۹۹۸ را به طور کامل پشت سر نگذاشته است و نیروهای نظامی (به ویژه نیروی دریایی) آن کشور نیز بسیار ضعیف است، داشتن ایران به عنوان یک متحد از نظر دیپلماتیک بسیار مفید است زیرا که یک ایران مستقل به جلوگیری از تسلط کامل ایالات متحده بر خلیج فارس، جایی که مسکو منافع مهمی دارد، کمک می‌کند.

از نظر ایران، روسیه منبع مطمئنی برای کسب سلاح‌های پیشرفته؛ یک متحد دیپلماتیک در زمانی که ایالات متحده به دنبال منزوی کردن ایران است؛ و متحدی برای کمک به جلوگیری از تهدید جدایی طلبانه احتمالی آذربایجان؛ و همچنین متحدی برای مقابله با تهدید تروریست‌ها و جریان مواد مخدر از طریق افغانستان تحت کنترل طالبان محسوب می‌شود.

هنوز هم، همچنان که روابط دو کشور تا پایان دوره پلتسین بسیار خوب بود، این رابطه ممکن است ضعیف شود. اول آن که، سرکوب چچن توسط روسیه به عامل^۱ مهمی در رابطه دو کشور تبدیل شده است. دوم این که ایران همچنان خود را به عنوان رقیبی برای انتقال نفت و گاز طبیعی دریای خزر می‌داند که، به ویژه در صورت از سرگیری روابط ایران-ایالات متحده، ممکن است تا حد منازعه جدی نیز پیش برود و در نهایت این که در صورت کمک غرب برای پیشرفت اقتصاد ایران، در حالی که اقتصاد روسیه همچنان در حالت رکود به سر می‌برد، ممکن است که ارتباط با روسیه برای ایران جذابیت چندانی نداشته باشد. همچنین، تجارت فعال ایران با برخی استان‌های جنوبی روسیه ممکن است تمایلات جدایی طلبانه‌ای^۲ که در حال حاضر در فدراسیون روسیه وجود دارد را بیشتر کند. نتیجه این خواهد بود که روسیه متوجه می‌شود که نه تنها آسیای مرکزی و ماورای قفقاز به سمت ایران کشیده می‌شوند، بلکه برخی از استان‌های خود روسیه نیز ممکن است چنین تمایلاتی پیدا کنند.



1. Irritant
2. Centrifugal

یادداشت‌ها

۱. برای شرح این دسته‌بندی و تأثیر آن بر سیاست روسیه در خاورمیانه در دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۱، نگاه کنید به:
Roberto Freedman, "Russia and the Middle East Under Yeltsin, *The Middle East and the Peace process* (Ed. Roberto. Freedman), (Gainesville, Florida: University Press of Florida, 1998), pp. 365-412.
۲. این گروه‌ها در منبع "پیشین" شرح داده شده‌اند. همچنین بنگرید به:
Yuri Fedorov, "Interest groups and Russia's Foreign Policy", *International Affairs* (Moscow), Vol. 44, No. 6, 1998. pp. 173-183.
3. "The Caspian Oil Situation: even a bird in a bush must be pursued in an organized fashion", translated in current digest of the Post Soviet Press (hereafter *CDPSP*), Vol. 47, No. 34, Sep. 20, 1995, p. 25.
۴. یلتسین در نشست ماه مه ۱۹۹۵ با کلینتون رئیس‌جمهور امریکا، این پیشنهاد را پس گرفت.
5. "Igor-Radionov advocates creation of defense," *CDPSP*, Vol. 48, No. 52, Jan. 21, 1997, p. 16.
۶. نگاه کنید به:
Roberto. Freedman, "Russia and the Israel Under Yeltsin", *Israel Studies*, Vol. 3, No. 1, Spring 1998, pp. 140-169.
۷. برای توضیح این دوره از روابط ایران- شوروی، نگاه کنید به:
Roberto Freedman, *Moscow and the Middle East: Soviet Policy since the invasion of Afghanistan* (Cambridge: Cambridge University Press, 1991).
8. *Islam Affairs Analyst* (London), Nov. 1992, p. 3.
9. Pavel Felgengauer, "Russian Policy is arriving at a consensus on the question of national interests", translated in *CDPSP*, Vol. 47, No. 21, June 21, 1995, p. 7.

10. Tehran IRNA, March 7, 1996 (FBIS: FSU, March 8, 1996), p. 7.

۱۱. ایران، در مواجهه با مخالفت روسیه، از مبادله پایاپای بین دو کشور حمایت می‌کرد. برای آشنایی با یک دیدگاه روسیه که از موضع منعطف‌تر روسیه در مورد مسائل اقتصادی حمایت می‌کند نگاه کنید به:

Victor Vishniakov, "Russian-Iranian Relations and Regional Stability", *International Affairs*, (Moscow), Vol. 45, No. 1, 1999, pp. 143-153.

و برای آشنایی با این دیدگاه که می‌گوید مشکلات اقتصادی ایران باعث تضعیف رژیم می‌شود، نگاه کنید به:

Shahram Chubin, "Iran's Strategic Predicament", *Middle East Journal*, Vol. 54, No. 1 Winter 2000, pp. 10-24.

۱۲. اطلاعات، اول ژوئیه ۱۹۹۹، طبق اظهارات وزیر کشور ایران، عبدالواحد موسوی لاری، ایران بیش از ۳۰۰۰۰ نیرو را در طول مرزهای خود با افغانستان برای مقابله با قاچاق مواد مخدر قرار داد. افغان‌ها نیز در سال ۱۹۹۸ تعدادی از دیپلمات‌های ایرانی را به قتل رسانیدند که این امر منجر به بدتر شدن روابط ایران - افغانستان گردید.

13. *Interfax*, Nov. 19, 1993 (FBIS: FSU, Nov. 22, 1993), p. 8.

۱۴. هنگامی که پریماکف در ژانویه ۲۰۰۰ از ایران دیدار کرد، تأکید نمود که همکاری‌های ایران - روسیه در مورد تاجیکستان "دلیل محکمی" از همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور است. (اطلاعات، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۰).

۱۵. برای مطالعه روابط ایران - ایالات متحده در این دوره، رجوع کنید به:

Roberto. Freedman, "American Policy toward the Middle East in Clinton's second term", *Mediterranean Security in coming millennium* (Ed. Stephen J. Blank), (Carlisle, Pennsylvania: the Strategic Studies Institute of the U.S. Army war College, 1999), pp. 371-416.

۱۶. به نقل از:

Bill Gertz, "CIA: Russia, China Key arms Sellers", *Washington Times*, Feb. 11, 1999.

17. Michael K. Gordon, "Russia to offer U.S. deal to end Iran nuclear aid", *New York Times*, March, 17 1999.

۱۸. همان.

19. Michael Gordon, "Russians order expulsion of Iranian diplomat as missile spy", *New York Times*, Nov. 18, 1997.

Marina Kalashnikova, "Iran is our friend, but U.S. is valued more: *Kommersant Daily*, Jan. 27, 1998 (CDPSP, Vol. 50, No. 4, p. 22).

۲۰. Vishniakov, پیشین، ص ۱۵۲.

21. Ora koren, "For economic reasons, Russia will gladly cooperate with Israel in nuclear energy development," *Israel's Business Arena*, Jan. 31, 1999.

۲۲. نگاه کنید به:

Yuri merzliakov, "Legal status of the Caspian Sea", *International Affairs*, (Moscow), Vol. 45, No. 1, 1999, p. 37.

و اطلاعات، ۶ آوریل ۱۹۹۹.

۲۳. نگاه کنید به:

M.A. Guseinova, *Politika Ssha Bzakavkoz'e interessi Rossii* (The policy of the U.S. in Transcaucasia and Russian interests), (Moscow: Institute of the U.S. and Canada, 1999), pp. 14-18.

و
"حضور نظامی در دریای خزر، صلح منطقه را به خطر می‌اندازد"، اطلاعات، ۱۵ فوریه ۱۹۹۹.

24. Stephen Kinzer, "Caspian Lands back a pipeline pushed by the West", *New York Times*, Nov. 19, 1999.

۲۵. برای آگاهی از دیدگاه روسیه در مورد این رخدادها، نگاه کنید به:

Semyon Novoprudsky, "Patriotic feat: Russia buys Turkmen Gas out from under Turkey and Ukraine", *Izvestia*, Dec. 21, 1999 CDPS, Vol. 51, No. 51, Jan. 19, 2000, p. 12.

و
Arkady Dubnov, "The big Transcaspian pipeline project flops", *Moscow News*, Jan. 26, Feb. 1, 2000.

۲۶. به نقل از: ایران، نرخ مبادله نفت دریای خزر را کاهش می‌دهد، اطلاعات، ۲۳ نوامبر ۱۹۹۹.

۲۷. به نقل از: ایران، بهترین راه انتقال انرژی دریای خزر، اطلاعات، ۲۴ ژوئن ۱۹۹۹.

۲۸. به نقل از:

RFE/RL *Iran Report*, Vol. 2, No. 41, oct. 18, 1999.

۲۹. همان.

30. Natalya Kalashnikova, "Putin closes Caucasus", *Segondia*, Nov. 10, 1999.

۳۱. به نقل از: رویترا، "مسکو به دولت‌های اسلامی اخطار می‌دهد" ۱۵ اوت ۱۹۹۹.

۳۲. نگرانی جهان اسلام در مورد چین، "اطلاعات"، ۱۰ دسامبر ۱۹۹۹.

۳۳. به نقل از: "درخواست سازمان کنفرانس اسلامی برای پایان دادن به جنگ چین: جهان اسلام در مورد تلفات در

چین نگران است"، "اطلاعات"، ۲۸ ژانویه ۲۰۰۰.

۳۴. همان.

۳۵. به نقل از:

RFE/RL *Iran Report*, Vol. 3, No. 6, Feb. 7, 2000.

36. "Iran hails U.S. easing of trade sanctions", *Washington Post*, Apr. 30, 1999.

Roula Khalaf, "Iran sees signs of a change in U.S. attitude", *Financial Times*, Oct. 30-31, 1999.

37. "Albright Rebukes Iran", *New York Times*, June 10, 1999.

۳۸. به نقل از:

Douglas Johl, "Arrest of 13 Iranian Jews as spies divides factions in Tehran", *New York Times*, June 18, 1999.

۳۹. به نقل از:

Yelena Suponina, "Clerics revanche" Iran's liberal president falls into a trap", *Vremya*, July 15, 1999 (*CDPSP*, Vol. 51, No. 28, August 11, 1999, p. 17).

40. John F. Burns, Clerics trial becomes flash point of Iran's political fate", *New York Times*, Oct. 31, 1999.

۴۱. به نقل از:

John F. Burns, "Iranian evokes mood of 79, rebuking U.S. and liberals", *New York Times*, Nov. 4,

1999.

و همچنین رجوع کنید به سخنرانی حضرت آیت الله خامنه‌ای، "مردم باید نسبت به تهدیدات دشمن هوشیار باشند"، اطلاعات ۳۰ دسامبر ۱۹۹۹.

42. John Lancaster, "Iran gives terrorists more aid, U.S. says: Assistance seen as effort to derail Mideast Peace bid", *Washington Post*, Dec. 4, 1999.

43. John Lancaster, "Boeing can provide part to Iran airline", *Washington Post*, Dec. 4, 1999.

۴۴. به نقل از:

Maureen Johnson, "Iran's dialogue with U.S. not acceptable," AP Report, *Washington post*, Jan. 12, 2000.

برای مروری بر تلاش‌های امریکا برای بهبود رابطه با ایران، رجوع کنید به:

Jane perlez and James Risen, "Clinton seeks an opening to Iran, but efforts have been rebuffed", *New York Times*, Dec. 3, 1999.

در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۹، مارتین ایندیک، دستیار^۱ وزیر امور خارجه امریکا، طی یک سخنرانی در "جامعه آسیا" مجدداً خواستار بهبود روابط ایران- امریکا شد، وی همچنین حوزه‌هایی را هم که ایران برای برداشتن تحریم‌ها می‌بایست رفتارش را در آنها اصلاح کند مشخص کرد. شاید سخنرانی سوم نوامبر ۱۹۹۹ حضرت آیت الله خامنه‌ای پاسخی به درخواست ایندیک بوده باشد.

برای دسترسی به متن سخنرانی ایندیک و همچنین لیست تحریم‌های امریکا علیه ایران، نگاه کنید به:

Kenneth Katzman, U.S. *Iranian relations: an analytic compendium of U.S. policies, laws and regulations*, (Washington: Atlantic Council of the United states).

-
1. Assistant
 2. Asia Society